



منع ورود به دانشگاه؛

فارغان دختر برای طے مراحل اسناد تحصیلے خود با مشکل برخوردند



وزارت تحصیلات عالی طالبان در ادامه وضع محدودیت‌ها بر زنان، این بار به فارغان دختر دانشگاه‌های دولتی اجازه طے مراحل اسناد تحصیلی‌شان را نمی‌دهد. براساس دستور این گروه، فارغان دختر تنها زمانی می‌توانند به اسناد تحصیلی‌شان دست یابند که برای پیش‌برد کارهای اداری آن، مردان خانواده را به دانشگاه بفرستند. اکنون که چند هفته از عملی شدن این تصمیم می‌گذرد، شماری از دانشجویان دختر به دلیل نداشتن پدر، برادر یا نبود سواد کافی در میان اعضای مرد خانواده، تا کنون موفق به گرفتن اسناد...

۵

ستیز بی رحمانه با زنده‌گان و ستایش گرافه آمیز مرده‌گان

۶

جابه‌جایی‌ها در بدخشان؛

دعوای میان‌گروهی؟ طالبان بر سر چیست

صفحه ۳



امریکا پیمان حمایت از مهاجران و تخلیه افغان‌ها را تمدید کرد

خروج همکاران سابق این کشور پای‌بند است. به گفته بلینکن، تا کنون بیشتر از ۹۷ هزار افغان به امریکا انتقال داده شده‌اند. وی از همکاری نهادهای خصوصی قدردانی کرده و گفت که در هماهنگی با آنان، وزارت خارجه تلاش خواهد کرد تا راه‌های بهتر و بیشتری را برای انتقال افراد در خطر که در افغانستان و کشورهای سومی گیر مانده‌اند، پیدا کند.

وزارت خارجه امریکا با امضای سند جدیدی اعلام کرد که رویکرد جدیدی را روی دست گرفته است تا روند تخلیه افغان‌ها را تسریع بخشد.

برداشتن الزام برای پر کردن فورمه دی‌اس ۱۵۷ و یافتن راهکاری جدید برای یکجا کردن اعضای خانواده، بخشی از این رویکرد جدید است. این در حالی است که بازرس ویژه امریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) در گزارش دو ماه پیش خود اعلام کرده بود که با سرعت کنونی، رسیده‌گی به ۱۷۵ هزار درخواست افغان‌ها برای دریافت ویزه مخصوص مهاجرت و انتقال به امریکا ۳۱ سال زمان خواهد برد.



۸ صبح، کابل: وزارت خارجه امریکا پیمان حمایت از مهاجران و تخلیه همکاران سابق این کشور از افغانستان را تمدید کرد. آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده روز دوشنبه، ۱۲ جون، هنگام امضای این پیمان گفت که واشنگتن برای انتقال افغان‌های بیشتر به ایالات متحده با گروه‌های مدنی همکاری می‌کند. او تاکید کرد که ایالات متحده به تعهد خود برای

یونیسف: از هر پنج کودک در افغانستان یک کودک مشغول کار است

امروز (دوشنبه، ۱۲ جون) روز جهانی مبارزه با کار کودکان است.

در اعلامیه جهانی سال ۱۹۵۹ حقوق کودک سازمان ملل متحد آمده است که کودکان باید در برابر هر گونه غفلت، ظلم و استثمار حمایت شوند و پیش از رسیدن به سن مناسب نباید اجازه استخدام آنان در کارهایی داده شود که به صحت جسمی و روانی و یا آموزش آنان آسیب می‌رساند.

پیش از این نیز برنامه جهانی غذا گفته که این نهاد در حال افزایش آگاهی در مورد پایان دادن به کار کودکان در افغانستان و جهان است.

۸ صبح، کابل: صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در افغانستان می‌گوید که از هر پنج کودک در این کشور، یک کودک مشغول کار است.

یونیسف روز دوشنبه، ۲۲ جوزا، با نشر توییتی نگاشته که صرف‌نظر از هر علت، هدف این نهاد پایان دادن به کار کودکان در همه اشکال است. به گفته یونیسف، دلیل کار کودکان در کشور مهاجرت، جدایی از خانواده، جراحات ناشی از مهمات منفجرشده و ترک تحصیل می‌باشد.



یک آموزگار در کابل به قتل رسید



۸ صبح، کابل: منابع محلی در شهر کابل می‌گویند که یک آموزگار در این شهر به گونه مرموز به قتل رسیده است.

منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که یک آموزگار روز دوشنبه، ۲۲ جوزا، در ساحه میدان هوایی شهر کابل به ضرب گلوله کشته شده است.

این آموزگار احمدشاه نام داشت و در ولایت بادغیس معلم بود.

به گفته منابع، احمدشاه در خانه خسرش به قتل رسیده است.

تاکنون علت و انگیزه این رویداد مشخص نشده است.

در همین حال خسر مقتول گفته است که احمدشاه هنگام پاک کردن اسلحه با شلیک اشتباهی کشته شده است.

وی ادعای منابع را رد کرد.

طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که امروز در یک رویداد دیگر نیز تفنگ‌داران ناشناس یک دوکان دار را در فراه کشتند.

خطر نظام‌های تیوکراتیک

صفحه ۷

تقسیم نظام‌های دولتی به مذهبی و غیرمذهبی، عواقب ناگوار دارد. نظام سیاسی پدیده خارج از حوزه مذهب است. تنها تعداد انگشت‌شماری از اصول اداری و اخلاقی اسلام را که قواعد عمومی‌اند...



جبهه مقاومت؛

جنگ‌جویان عادی طالبان به دستور رهبران این گروه دست به اقدامات ضدبشری می‌زنند





کودکان قربانیان اصلی تسلیمی قدرت به طالبان

دبیروز، روز جهانی مبارزه با کار کودکان بود. ارقامی که در این روز از تعداد کودکان مشغول کارهای شاقه در سراسر جهان به‌خصوص در افریقا و جنوب آسیا نشر شد، تکان‌دهنده است. حتی آن ارقام تصویر کامل از وضعیت را نشان نمی‌دهد و متاثر از پنهان‌کاری و انکار دولت‌ها، جوامع و موسسات است. در افغانستان نیز رقم محافظه‌کارانه و بسیار کمتر از تعداد واقعی کودکان مشغول کارهای شاقه را که موسسات نشر کرده‌اند، با انکار طالبان مواجه شد.

بحران‌های سیاسی، بی‌عدالتی، جنگ و نبود اداره سالم در گوشه و کنار جهان صدها میلیون انسان را به مرز تقلا برای بقا رانده است. هر جا خانواده‌های بی‌سرپرست، پدران و مادران بیکار و کم‌درآمد، خانواده‌های پرنفوس اما فاقد منبع عایداتی باثبات باشند، آن‌جا کودکان از سنین بسیار پایین وادار به کارهای طاقت‌فرسا می‌شوند. افغانستان همه آن ویژه‌گی‌ها را دارد و کار کودکان در سایه مشکلات فراوان دیگر چندان جدی به چشم نمی‌آید. با توجه به وضعیت حاکم، گاه دیدن کودکان و نوجوانانی که با مهارت نسبی در مستری‌خانه‌ها، دکان‌ها و کارگاه‌ها مشغول کارند به نزدیکان حس موفقیت می‌دهد و از این که می‌بینند عضو کوچک خانواده مهارتی آموخته و برای آنان تکیه‌گاهی شده است، به آینده امیدوار می‌شوند. آنان پرتگاه‌های ترسناک‌تر از کار کودکان را دیده‌اند و یا از افتادن دیگران به آن پرتگاه‌ها مطلع هستند. آنان می‌دانند که کسانی دل‌بندان خود را فروخته، به جاده‌ها رها کرده و یا به خانواده‌های دیگر به فرزندی داده‌اند. گدایی، ترک خانواده، فروش اعضای بدن و اقدام به خودکشی نیز اتفاقات آشنا برای گرسنه‌گان افغانستان در چند دهه جنگ و ویرانی بوده است. جز اقلیت کوچکی که اعضای خانواده‌هایشان مشغول فعالیت‌های مناسب سن خودند، دیگران همه در اضطراب دایمی به‌سر می‌برند. کودکان از روزی که توانایی جسمی برداشتن چند کیلو وزن را پیدا می‌کنند تا روزی که پیر می‌شوند و به آخرین بستر بیماری می‌افتند، باید برای زنده ماندن، بیشتر از توان خود کار کنند. کار شاقه همراه با گرسنگی و بی‌ثباتی دایم معیشتی در تمام سنین مردم را شکنجه می‌کند. در چنین وضعیت، سخن گفتن از مبارزه با کار کودکان و یا آنچه برنامه جهانی غذا «افزایش آگاهی و اقدام برای پایان دادن به کار کودکان در همه اشکال آن در افغانستان» خوانده، ادعای غیرواقعی است. در محیط آشوب‌زده، بی‌دولت، منزوی از جهان و گرفتار حاکمیت عقب‌مانده‌ترین گروه، مبارزه با کار کودکان از طریق پروژه‌های موقتی توزیع غذا چون مبارزه با خشک‌سالی با توزیع بسته‌های آب معدنی تنها حرکت نمادین و حسن نیت می‌تواند باشد.

گرسنگی و فقر اشکال مختلف دارد. برخی موقتی و گذرا است. برای نجات از این نوع فقر، حمایت‌های خارجی و کمک‌های فوری موثر است. اگر خانواده‌ای به دلیل سیلاب، آفت یا آتش‌سوزی، محصولات یک فصل را از دست داده باشد، با دریافت کمک موقتی می‌تواند آن چند ماه یا یک سال را تا فصل بعدی با رنج کم‌تر و مصون‌تر به‌سر کند. اما گرسنگی و فقر ناشی از جنگ، بحران سیاسی دوام‌دار و حاکمیت گروه ضد تعلیم و ضد کار با حمایت‌های تسکینی رفع نمی‌شود. وقتی زنان رسماً از هر گونه فعالیت مشمر اجتماعی محروم شده باشند، مکتب‌ها و دانشگاه‌ها تعطیل یا نیمه‌تعطیل باشند، فرهنگ و آزادی‌های مدنی نکوهیده و زشت اعلام شده باشند، آن‌گاه اگر خانواده‌ها مقداری نان و کمک نقدی نیز هر ماه از موسسات خارجی دریافت کنند، به دلیل ناامنی روانی و ترس از آینده، خود را دایم در پرتگاه گرسنگی احساس می‌خواهند کرد و لاجرم کودک و جوان و پیر در تقلا زنده‌ماندن خواهند بود.

قربانیان اصلی عقب‌گردی که با تسلیمی قدرت به طالبان بر جامعه ما تحمیل شد، کودکانند. آنان بیش از همه نیازمند حمایت و محیط مناسب رشد جسمی و ذهنی‌اند. مبارزه با معلول‌هایی چون کار شاقه، گدایی، گرسنگی و امراض روانی سبب تغییر ریشه‌ای نخواهد شد. دور کردن چنگال طالبان از گلو مردم و کمک به تشکیل حکومت غیرطالبانی که به مکتب، دانشگاه، کارگاه، فابریکه، خدمات و زیربناها ارزش قابل باشد و عواید گمرکی و مالیات را صرف ایجاد مراکز تربیت انتحاری و جنگ‌جویان نیابتی نکند، راه بهتر کمک به کودکان است.

جبهه مقاومت: جنگ جویان عادی طالبان به دستور رهبران این گروه دست به اقدامات ضدبشری می‌زنند



۸صبح، کابل: جبهه مقاومت ملی افغانستان می‌گوید که جنگ‌جویان عادی طالبان به دستور فرماندهان و رهبران این گروه دست به اعمال و اقدام‌های ضدبشری می‌زنند که نیاز است تا رهبران و فرماندهان ارشد طالبان در برابر «جنایت‌های شان» پاسخ‌گو قرار داده شوند.

جبهه مقاومت ملی افغانستان روز دوشنبه، ۲۲ جوزا، با نشر خبرنامه‌ای از گزارش اخیر سازمان عفو بین‌الملل در مورد «جنایت‌های جنگی» طالبان در ولایت پنجشیر استقبال کرده است. این جبهه افزوده است که اسناد و شواهد فراوانی در اختیار دارد که نشان می‌دهد طالبان خلاف تمام اصول و موازین حقوقی ملی و بین‌المللی، دست به «جنایت‌های هولناک و سازمان‌یافته ضدبشری» زده‌اند.

به گفته این جبهه، طالبان نه‌تنها در پنجشیر؛ بل که در ولسوالی اندراب، خوست و فرنگ و ولایت‌های بدخشان و دایکنندی روزانه ده‌ها مورد «جنایات ضدبشری» را مرتکب می‌شوند.

در خبرنامه آمده است که جبهه مقاومت ملی شماری از جنایات جنگی را مستند و تسلیم مراجع مربوطه بین‌المللی کرده و نیاز است سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر به تمام این موارد بپردازند.

جبهه مقاومت تصریح کرده است: «قربانیان جنایات طالبان به اعضای جبهه مقاومت و بسته‌گان آنان محدود نمانده؛ بل که گستره وسیع شهروندان افغانستان از طیف‌های مختلف اجتماعی را در بر می‌گیرد که نباید این

جنایات در محدوده جرایم جنگی خلاصه شوند. سازمان‌های بین‌المللی مسوولیت دارند جنایات ضدبشری طالبان تروریست را به شکل وسیع و همه‌جانبه گزارش دهند و در زمینه تأمین عدالت نقش خویش را ادا نمایند.»

این جبهه همچنان علاوه کرده است که انتظار دارند تا در آینده، سازمان عفو بین‌الملل و نهادهای مشابه، پیش‌از‌نهایی ساختن گزارش‌ها، تمام اسناد و مدارک «جنایات ضدبشری» طالبان را به‌صورت کامل بررسی کنند.

این در حالی است که سازمان عفو بین‌الملل بامداد پنج‌شنبه، ۱۸ جوزا، در گزارشی زیر نام «سپران شما در کوه هستند»، اعلام کرد که طالبان در جریان درگیری‌های دست‌کم دو سال گذشته با نیروهای جبهه مقاومت ملی در پنجشیر، دست به جنایات جنگی زده‌اند.

به گفته این سازمان، اعدام‌های فراقانونی اسپران نیروهای جبهه مقاومت ملی، بازداشت‌های گروهی غیرنظامیان، شکنجه، کوچ اجباری، آتش‌زدن خانه‌ها و قتل غیرنظامیان از سوی طالبان در پنجشیر را مستند و نشر کرده است.

افراد ناشناس یک دانشجوی دانشگاه تخار را کشتند



۲۲ جوزا، زمانی با ضرب چاقو از سوی افراد ناشناس در دانشگاه تخار کشته شده که از خوابگاه به سمت دانشکده ادبیات زبان فارسی روان بوده است. این فرد امیدالله نام داشت و دانشجوی سال دوم دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تخار بود. طالبان این رویداد را تأیید کرده و می‌افزایند که بررسی‌ها را در این زمینه آغاز کرده‌اند.

براساس آمارهای ارائه‌شده از سوی منابع، از زمان به قدرت رسیدن طالبان، تنها در ولایت تخار ۸۹ تن به‌گونه مرموز به قتل رسیده‌اند. این در حالی است که یک آموزگار نیز امروز در شهر کابل کشته شده است.

۸صبح، تخار: منابع محلی در ولایت تخار می‌گویند که افراد ناشناس یک دانشجوی دانشگاه تخار را کشته‌اند.

منابع می‌گویند که این دانشجو صبح روز دوشنبه،

نماینده‌گی‌های دیپلماتیک افغانستان: کشورهای

جهان بر طالبان برای تشکیل حکومت مشروع فشار بیآورند



افغانستان و فراتر از آن خواهد شد.»

در اعلامیه همچنان اضافه شده است: «امیدواریم که گزارش جدید و ارزیابی‌های مشابه توسط دیگر نهادها و کارشناسان بین‌المللی موجب توجه بیشتر جهانی در رسیده‌گی به بحران خطرناک افغانستان شود.» در گزارشی که اخیراً از سوی شورای امنیت ملل متحد به نشر رسیده آمده است که طالبان با القاعده ارتباط خود را قطع نکردند و گروه‌های «تروریستی» دیگر در سایه نظام طالبان در افغانستان فضای مانور بیشتر دارند.

در این گزارش همچنان بر دست داشتن رهبران طالبان در تولید و قاچاق مواد مخدر تأکید شده است.

برنامه جهانی غذا: در حال پایان دادن به کار کودکان در افغانستان هستیم

۸صبح، کابل: برنامه جهانی غذا، به مناسب روز جهانی مبارزه با کار کودکان می‌گوید که این نهاد در حال افزایش آگاهی در مورد پایان دادن به کار کودکان در افغانستان و جهان است.

برنامه جهانی غذا، روز دوشنبه، ۲۲ جوزا، در توییتی نوشته است که این نهاد از راه‌های مختلف تلاش می‌کند تا به کار کودکان در کشور نقطه پایان بگذارد.

این نهاد افزوده است: «ما در حال افزایش آگاهی و اقدام برای پایان دادن به کار کودکان در همه اشکال آن در افغانستان و فراتر از آن، در سراسر جهان هستیم.»

هرچند در این اواخر آمار دقیق از کودکان کارگر در افغانستان نشر نشده است، اما براساس داده‌های نهادهای جهانی مدافع حقوق کودکان، در سال‌های گذشته ۳٫۷ میلیون کودک کارگر در افغانستان وجود داشته که ۲٫۱ میلیون تن آنان مشغول کارهای شاقه بوده‌اند.

پس از تسلط دوباره طالبان در کشور و کاهش درآمد خانواده‌ها شمار کودکان کار بیشتر شده است.

روز (دوشنبه، ۱۲ جون) روز جهانی مبارزه با کار کودکان است.

در اعلامیه جهانی سال ۱۹۵۹ حقوق کودک سازمان ملل متحد آمده است که کودکان باید در برابر هر گونه غفلت، ظلم و استعمار حمایت شوند و پیش از رسیدن به سن مناسب نباید اجازه استخدام آنان در کارهایی داده شود که به صحت جسمی و روانی و یا آموزش آنان آسیب می‌رساند.



تفنگ‌داران ناشناس یک دوکان‌دار را در فراه کشتند

۸صبح، فراه: منابع محلی در ولایت فراه می‌گویند که یک مرد در این ولایت از سوی تفنگ‌داران ناشناس کشته شده است.

این رویداد یک‌شنبه‌شب، ۲۱ جوزا، در منطقه مسوی ولسوالی پشت‌رود ولایت فراه رخ داده است.

براساس گفته‌های منابع این مرد می‌رویس نام داشت و مصروف کار دوکان‌داری بود. تفنگ‌داران ناشناس او را با ضرب گلوله کشته‌اند.

تاکنون انگیزه این رویداد مشخص نشده است. طالبان نیز در این مورد چیزی نگفته‌اند.

حدود یک‌ونیم ماه پیش نیز یک جوان با ضربات چاقو توسط تفنگ‌داران ناشناس در مرکز فراه به قتل رسید.

این در حالی است که در روزهای اخیر رویدادهای جنایی و قتل مرموز شهروندان در نقاط مختلف کشور افزایش یافته است.



دعوی میان گروهی طالبان بر سر چیست؟

گفته می‌شود که طالبان با خلع قدرت نیروهای بومی‌شان، هم‌زمان چندین هدف را دنبال می‌کنند. بر اساس روایت منابع، اهداف اساسی استقرار نیروهای ویژه طالبان در بدخشان، جابه‌جایی کوچی‌ها در مناطق «شیوه»، کنترل بر منابع معدنی و جلوگیری از مخالفت‌های احتمالی در این ولایت است. یک منبع آگاه به روزنامه ۸ صبح گفت: «علاوه بر اهداف یادشده، بیلباق‌های‌شان را جابه‌جا می‌کنند، چون این‌ها نیرو و پناهگاه‌های‌شان را تامین و فراهم می‌کنند. بافت منطقه را از لحاظ فرهنگی تغییر می‌دهند. اسناد و مدارک تاریخی را از بین می‌برند یا قاچاق می‌کنند.»



امین کاوه

حدود ۳۰۰ تن از جنگ‌جویان پشتون تبار طالبان در شهر فیض‌آباد، مرکز ولایت بدخشان، مستقر شده‌اند. این جنگ‌جویان جزو نیروهای ویژه استخبارات طالبان هستند و آموزش‌های نظامی و عملیاتی را در پاکستان فرا گرفته‌اند. آن‌ها تا کنون با طالبان محلی درگیری فیزیکی نیز داشته‌اند. با این حال، منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که طالبان به نیروهای محلی خود در این ولایت اعتماد ندارند و احتمال می‌رود که مسوولیت امنیتی نقاط کلیدی بدخشان را نیروهای پشتون‌تبار این گروه برعهده بگیرند. این منابع همچنان تاکید می‌ورزند که جنگ‌جویان تازه‌نفس تصمیم دارند تلاشی خانه‌به‌خانه را در این ولایت به راه بیندازند. گروه‌های سیاسی مخالف طالبان اما از انتقال تحریک طالبان پاکستانی به شمال و شمال‌شرق کشور هشدار داده‌اند. این در حالی است که در روزهای پسین، دو فرمانده مشهور طالبان در بدخشان در پی حمله‌های انتحاری کشته شدند. مسوولیت این حمله‌ها را گروه داعش برعهده گرفته است. شماری از سیاستمداران و تحلیل‌گران معتقدند که این افراد قربانی اختلاف‌های درون گروهی طالبان شده‌اند.

منابع روز دوشنبه، ۲۲ جوزا، به روزنامه ۸ صبح گفتند که حدود ۳۰۰ تن از جنگ‌جویان طالبان در جریان چند روز گذشته به شهر فیض‌آباد، مرکز ولایت بدخشان، رسیده‌اند. به گفته منابع، این جنگ‌جویان که جزو نیروهای ویژه این گروه هستند، آموزش‌های نظامی و انجام عملیات‌های پیچیده را در پاکستان فرا گرفته‌اند و اعزام آنان به بدخشان نشان‌دهنده تغییرات جدی در سطوح مدیریتی و نظامی در ولایت‌های شمال‌شرق به‌ویژه در این ولایت خواهد بود. این منابع تصریح می‌کنند که در حال حاضر، جنگ‌جویان پشتون‌تبار طالبان مسوولیت امنیتی دروازه‌های ورودی و کمربندهای امنیتی شهر فیض‌آباد را برعهده گرفته‌اند.

گفته می‌شود که طالبان با خلع قدرت نیروهای بومی‌شان، هم‌زمان چندین هدف را دنبال می‌کنند. بر اساس روایت منابع، اهداف اساسی استقرار نیروهای ویژه طالبان در بدخشان، جابه‌جایی کوچی‌ها در مناطق «شیوه»، کنترل بر منابع معدنی و جلوگیری از مخالفت‌های احتمالی در این ولایت است. یک منبع آگاه به

روزنامه ۸ صبح گفت: «علاوه بر اهداف یادشده، بیلباق‌های‌شان را جابه‌جا می‌کنند، چون این‌ها نیرو و پناهگاه‌های‌شان را تامین و فراهم می‌کنند. بافت منطقه را از لحاظ فرهنگی تغییر می‌دهند. اسناد و مدارک تاریخی را از بین می‌برند یا قاچاق می‌کنند. کسانی که در آن‌جا ماندگار شدند، طبعاً زن می‌گیرند و بافت قومی را نیز تغییر می‌دهند. این موارد، اهداف درازمدت‌شان است و هر کسی مخالفت کرد، می‌کشند و مسوولیتش را بر دوش داعش می‌اندازند.»

در همین حال، منابع دیگری به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که در جریان سال جدید، چندین مقام استخباراتی و امنیتی طالبان در مناطق مختلف بدخشان که دارای منابع طبیعی است، سفر کرده‌اند. به گفته منابع، آنان برای کنترل و به دست گرفتن منابع زیرزمینی، نیاز به نیروهای خودی دارند و می‌خواهند دست طالبان محلی را از معادن کوتاه سازند؛ چون این گروه فکر می‌کند که طالبان بدخشانی سرانجام کار به آن‌ها وفادار نخواهند ماند.

با این حال، یک مقام دولت پیشین که خود نیز از بدخشان است، می‌گوید: «طالب‌های بدخشی خیزک خیزک خود را می‌زنند، اما طالب‌ها به آن‌ها اعتماد ندارند و جابه‌جایی نیروهای پشتون‌تبارشان، نشان می‌دهد که پروژه و برنامه‌ای در کار است. قتل‌های چند روز گذشته هم روی همین هدف صورت گرفته است.» افزون بر او، منبعی دیگر که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، می‌گوید که در حال حاضر مدیریت بخش‌های امنیتی و کشفی به شمول ریاست استخبارات این ولایت در اختیار شبکه حقانی قرار دارد.

این در حالی است که شماری از باشندگان محلی از رفتار جنگ‌جویان پشتون‌تبار طالبان شکایت دارند و می‌گویند که آنان با مردم بسیار «خشن» رفتار می‌کنند. به گفته آنان، در محل‌های تلاشی، گوشی‌های همراه برخی از عابران را بررسی و بازجویی می‌کنند. یک منبع محلی به روزنامه ۸ صبح گفت: «دریسی سیاه دارند، سر و فکشان بسته، با تجهیزات پیش‌رفته مجهز هستند. بسیار خشن هستند. مردم ترسیده‌اند. فضا یک رقم نظامی است. فکر می‌کنید همین لحظه جنگ می‌شود.»

از سوی دیگر، منابع تایید می‌کنند که روز دوشنبه جنگ‌جویان طالبان در شهر فیض‌آباد باهم درگیری فیزیکی و تنش لفظی داشته‌اند. یک شاهد عینی

به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «طالب‌های پشتون در چهارراهی حمام روشن، چند طالب بدخشی را یک قسم قفاق کاری کردند! این‌ها صدای‌شان را نکشیدند. سلاح هم داشتند، یک چندتای‌شان اول قیدبه‌قید شدند، بعد قریب سلاح‌شان را هم گرفته بودند. باز یک چند نفر آمدند، خیره‌خیره کرده رخصت‌شان کردند.» به گفته منابع، پس از آن حادثه، یکی از فرماندهان طالبان محلی اقدام به درگیری مسلحانه کرده که با میانجی‌گری آمر امنیت این گروه از وقوع آن جلوگیری شده است.

در همین حال، منابع می‌افزایند که یکی از اهداف دیگر نیروهای اعزامی استخبارات طالبان به بدخشان، بازرسی خانه‌به‌خانه در شهر فیض‌آباد و برخی از ولسوالی‌های این ولایت است. به گفته آنان، طالبان محلی و طالبان پشتون‌تبار در حال رای‌زنی در این مورد هستند. یک منبع مطلع از این موضوع می‌گوید: «حال بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ نیرو آمده‌اند. ممکن تعدادشان به ۶۰۰ تن برسد. تصمیم دارند که بدخشان را از یک سر، خانه‌به‌خانه، تلاشی بگیرند. فعلاً در تلاش گرفتن موافقه بزرگ‌های طالب‌های بدخشی هستند که این‌ها نظرشان چیست و بعضی ریش‌سفیدها مداخله کرده‌اند که این کار نباید صورت بگیرد؛ اما آن‌ها به حرف‌شان مصمم هستند و تلاشی خانه‌به‌خانه آغاز خواهد شد. فعلاً در فیض‌آباد بیشتر صلاحیت‌ها پیش طالبان پشتون است.» به گفته این منبع، طالبان محلی احتمال می‌دهند که مسوولیت امنیتی اکثریت مناطق کلیدی بدخشان را تا خزان پیش‌رو، نیروهای اعزامی این گروه برعهده بگیرند.

این جابه‌جایی جنگ‌جویان پشتون‌تبار طالبان در بدخشان در حالی صورت می‌گیرد که پیش از این نیروهای سیاسی و نظامی مخالف این گروه از انتقال اعضای تحریک طالبان پاکستان به شمال افغانستان هشدار داده‌اند. شورای عالی مقاومت برای نجات افغانستان که متشکل از رهبران جهادی و مقام‌های دولت پیشین است، انتقال اعضای تحریک طالبان پاکستان به شمال کشور را «معامله استراتژیک» میان طالبان افغانستان و پاکستان خوانده‌اند. این شورا تاکید کرده که انتقال جنگ‌جویان خارجی، شمال کشور را به «لانه امن تروریستان» تبدیل می‌کند و بافت جمعیتی را تغییر می‌دهد.

در همین حال جبهه مقاومت ملی که نزدیک به دو سال است علیه طالبان در شماری از ولایت‌ها از جمله پنجشیر می‌جنگد، گفته است که گزارش‌های نگران‌کننده‌ای را از جابه‌جایی اعضای تحریک

طالبان پاکستانی در شمال افغانستان در دست دارد. این جبهه تاکید کرده که هر گونه تلاش برای انتقال «تروریست‌های خارجی»، تجاوز به سرزمین، هویت و ترویج افراط‌گرایی است.

این نگرانی‌های جبهه‌های مخالف طالبان در حالی مطرح می‌شود که پیش از این رنا ثناالله، وزیر داخله پاکستان، گفته است که طالبان پیشنهادی را به وی ارائه کرده‌اند که براساس آن، اعضای تحریک طالبان پاکستانی از مناطق نزدیک خط دیورند به مناطق دورتر افغانستان منتقل می‌شوند. با این حال، مولوی عبدالکبیر، معاون سیاسی و کفیل ریاست‌الوزرای طالبان، نیز در جریان ماه جاری، در نشست در کابل، بدون ذکر نام کشور و گروهی خاص، گفت که رهبر آنان دستور داده تا «اتباع» که با کشورهای‌شان مشکل دارند، باید از مرزهای افغانستان با این کشورها عقب کشیده شوند.

طالبان در حالی تصمیم به راندن جنگ‌جویان خارجی که با کشورهای‌شان مشکل دارند، گرفته‌اند که براساس گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد، این گروه رابطه خود را با ۲۰ گروه تروریستی منطقه‌ای حفظ کرده است. بر بنیاد گزارش شورای امنیت سازمان ملل، طالبان با القاعده و تحریک طالبان پاکستان رابطه ناگسستگی دارند. از سوی دیگر لانگ‌وار ژورنال، یک رسانه آمریکایی، در گزارش تازه‌ای نگاشته که تعدادی از اعضای شبکه القاعده به‌عنوان مدیران کلیدی در رژیم طالبان کار می‌کنند. این رسانه از معاون اداره استخبارات طالبان و والی‌های طالبان برای ولایت‌های کاپیسا و نورستان، از اعضای القاعده نام برده است.

در جریان هفته گذشته، دو فرمانده ارشد طالبان در ولایت بدخشان، در حمله‌های انتحاری جداگانه کشته شده‌اند. مولوی نثاراحمد احمدی، معاون و سرپرست طالبان برای ولایت بدخشان، در نتیجه انفجار یک موتر بمب کشته شد. دو روز بعد از آن، در مراسم فاتحه‌خوانی او، مولوی صفی‌الله صمیم، فرمانده پیشین طالبان برای ولایت بغلان، در یک حمله انتحاری در مسجد نبوی شهر فیض‌آباد، مرکز این ولایت، کشته شد. مسوولیت هر دو حمله را گروه داعش برعهده گرفته است؛ اما حزب جمعیت اسلامی به رهبری صلاح‌الدین ربانی، با نشر اعلامیه‌ای، حمله انتحاری بر جان فرماندهای محلی طالبان را «تنش‌های میان‌گروهی» برای کسب قدرت توصیف کرده است. گفتنی است که در حمله انتحاری دومی، برخی از فرماندهان جمعیت اسلامی نیز کشته و زخمی شده‌اند.

ترکیه باناتویا علیه آن؟

شجاع‌الدین امینی بخش اول



ترکیه در سال ۱۹۵۲ به عضویت ناتو درآمد و تا این دم عضو فعال این سازمان مانده است. گفته می‌شود که از حیث رده‌بندی توان ارتش پس از امریکا، فرانسه و بریتانیا از جایگاه چهارم در ناتو برخوردار است. حضور ترکیه در ناتو جایگاه و اعتبار ویژه‌ای به آن در خاور میانه، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی بخشیده است. طوری که دیده می‌شود، این عضو شرقی ناتو از متحدان غربی خود در این سازمان ناراضی به نظر می‌رسد نه این که لزوماً در خصوص جایگاه خود ملاحظه‌ای داشته باشد یا به خروج از این سازمان بیندیشد. رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه، در آخرین گردهمایی انتخاباتی خود گفت: «جو بایدن دستور سرنگونی من را داده است. من این را می‌دانم. همه مردم این را می‌دانند». مهم‌تر از آن، آقای اردوغان اظهارات قلیچدار اوغلو، رقیب انتخاباتی‌اش در باب روسیه را نادرست خواند و به اهمیت تداوم دوستی با این کشور تاکید کرد: «روسیه یکی از مهم‌ترین متحدان ما در زمینه محصولات کشاورزی بوده است».

آنچه روشن است این که رابطه ترکیه با برخی اعضای کلیدی ناتو به‌ویژه امریکا شکرآب شده است نه با کلیت این سازمان. محتوای گفته‌های مقام‌های آنکارا این مدعا را تا جایی تایید می‌کند. ترکیه در بزنگاه‌های مهم تاریخی در جهت مخالف ناتو راه رفته است. تازه‌ترین نمونه، اجتناب این کشور از همراهی با ناتو در زمینه حمایت از اوکراین و اعمال تحریم‌ها علیه روسیه می‌باشد. پرسشی که در زمینه مطرح می‌شود، این است که چه عواملی سبب شد تا ترکیه در بزنگاه‌های مهم از همراهی با ناتو کنار رود؟

عوامل موثر در این زمینه را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: ۱- عوامل داخلی؛ ۲- عوامل خارجی.

۱- عوامل داخلی

۱-۱ اعتراضات پارک گزی

در ۲۸ می ۲۰۱۳ شهر استانبول شاهد اعتراض بزرگی بود. اعتراض در آغاز صیغه محیط زیستی داشت که بعداً به سایر شهرها تسری یافت و صیغه سیاسی پیدا کرد. دولت ترکیه می‌خواست پارک گزی در میدان تقسیم را تخریب و به مجتمع تجاری تبدیل کند که منجر به اعتراض شد. اعتراضات پس از آن که دامنه بیش‌تری به خود گرفت، پولیس وارد میدان شد و به سرکوب و دستگیری معترضان اقدام کرد. میزان سرکوب و دستگیری به قدری بلند بود که ناراضی‌ترین متحدان غربی ترکیه را برانگیخت. این بزرگ‌ترین اعتراضی بود که دولت حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲ بدین‌سو داشت تجربه می‌کرد. متحدان غربی ترکیه، مانند در کنار معترضان را به ماندن در کنار حاکمان این کشور ترجیح دادند. اتحادیه اروپا با صدور مصوبه‌ای برخورد پولیس با معترضان را نکوهش کرد. اردوغان، نخست‌وزیر وقت، در واکنش به آن، اتحادیه اروپا را به برخورد دوگانه متهم کرد و اعتراضات را توطئه این اتحادیه علیه

(ی‌پ‌گ) ۲. مزید بر این، جو بایدن، رییس‌جمهور امریکا، در سال ۲۰۲۰ در جریان کارزارهای انتخاباتی خود، اردوغان را مرد «مستبد» خواند که واکنش تند مقام‌های آنکارا را در پی داشت. جمع این عوامل سبب شد تا حصار دوستی میان ترکیه و امریکا که رهبری ناتو را در اختیار دارد، ترک بردارد و این ذهنیت در ذهن مقام‌های آنکارا ایجاد شود که گویا امریکا در تباری با نیروهای رقیب، پروژه «عبور از اردوغان» را کلید زده است. برخلاف امریکا، روسیه و ایران بیش‌تر همدلی با ترکیه نشان دادند و کودتا را با ادبیات روشن‌تر تقبیح کردند. البته امریکا نیز با تاخیر کودتا را محکوم کرد، ولی چندان چنگی به دل مقام‌های آنکارا نزد؛ چون انتظار فراتر از محکومیت صرف از نشانی امریکارا داشتند.

به‌تازگی مخالفت دولت ترکیه با پیوستن سوئد و فنلند به ناتو پرده از رخ ناراضی‌ی این کشور برداشت. در شرایطی که بقیه اعضای ناتو به دنبال جذب عضو در ناتو و به انزوا راندن روسیه بودند، ترکیه ساز مخالف نواخت. ترکیه، سوئد و فنلند را به پناه‌دادن به اعضای حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک)، شاخه سوری آن (یگان‌های مدافع خلق) و حامیان فتح‌الله گولن متهم کرد و از اعضای ناتو خواست تا حساسیت‌های امنیتی این کشور را در نظر داشته باشند و از پذیرش عضویت این دو کشور اجتناب ورزند. اگرچه بعداً پارلمان ترکیه به پیوستن فنلند به ناتو رای مثبت داد.

۳-۱ به تعطیل رفتن عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا عضویت در اتحادیه اروپا برای حاکمان ترکیه دغدغه همیشه‌گی بوده است. سکولارها و اسلام‌گراها هر دو به یکسان کوشیده‌اند تا دروازه اتحادیه اروپا را به‌روی ترکیه باز کنند، اما موفق نشده‌اند. عضویت در اتحادیه اروپا برای ترکیه مزیت‌های فراوانی دارد که به نظر نمی‌رسد حاکمان این کشور از مسیر دست‌یافتن به آن به‌ساده‌گی منصرف شوند. برای نمونه، حزب عدالت و توسعه (آک‌پ) بین سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۱۰ تلاش‌های فراوانی در این زمینه به خرج داد، اما نتیجه‌ای در پی نداشت. در سال ۲۰۰۵ به منظور عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مذاکرات رسمی میان دو طرف آغاز شد که برخی‌ها از آن به‌عنوان عصر طلایی اروپایی‌شدن سیاست خارجی ترکیه یاد می‌کنند. ظاهراً پس‌زمینه ناروشن ترکیه در زمینه حقوق بشر و وفاداری به ارزش‌های لیبرال و همچنان ضعف‌هایی در زمینه اقتصادی علت این ناکامی خوانده می‌شود.

گفته می‌شود در ترکیه جوک معروفی مبنی بر

دشواری پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا وجود دارد و آن این که اتحادیه اروپا برای عضویت صربستان، مونته‌نگرو و ترکیه به آن‌ها زنگ می‌زند و سوال می‌پرسد که اگر جواب درست دادند، پذیرفته می‌شوند، در غیر آن نه. برای نمونه، از صربستان می‌پرسد جنگ جهانی اول در کدام سال آغاز شد؟ پاسخ می‌دهد: ۱۹۱۴. در باز می‌شود و وارد می‌شود. از مونته‌نگرو پرسیده می‌شود جنگ در کدام سال پایان یافت؟ پاسخ می‌دهد: ۱۹۱۸. در باز می‌شود و وارد می‌شود. نوبت که به ترکیه می‌رسد، می‌پرسد که چه تعداد انسان در جنگ کشته شدند و اسامی آن‌ها را با تاریخ تولدشان ذکر کند. ترکیه جواب داده نمی‌تواند و زنگ رد به صدا در می‌آید. ناکامی تلاش‌های پیهم منجر به خلق این ذهنیت در میان حاکمان و شهروندان ترکیه شده است که گویا اتحادیه اروپا این کشور را به‌مثابه یک عنصر غیرخودی می‌بیند.

پس از اعتراضات پارک گزی و همچنان تغییر نظام از پارلمانی به ریاستی در سال ۲۰۱۷ بدبینی‌ها در اتحادیه اروپا نسبت به دستگاه قدرت حاکم بر ترکیه افزایش یافته است و به نظر نمی‌رسد که دروازه این اتحادیه به این زودی‌ها به‌روی ترکیه باز شود. برای نمونه، به‌تازگی پس از آن که نتیجه دور دوم انتخابات ترکیه اعلام شد، مانفرد وبر، رهبر حزب مردمی اروپا، خواستار پایان روند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا شد. به باور او، به همکاری نزدیک ترکیه با اتحادیه اروپا نیاز است نه لزوماً عضویت کامل آن.

این سه عامل داخلی باعث خلق بی‌اعتمادی میان ترکیه و متحدان غربی آن شده است. پس از سال ۲۰۱۳ ترکیه به نحوی تلاش کرده در بزنگاه‌ها و ایستگاه‌های مهم تاریخی از همراهی با ناتو تا جایی که امکان دارد کنار رود. به نظر می‌رسد روی کارآمدن مجدد اردوغان نتواند به ترمیم روابط میان ترکیه و متحدان غربی آن کمک کند؛ چون امریکا و اتحادیه اروپا اردوغان را متهم به نقض حقوق بشر و انحراف از جاده دموکراسی می‌کنند، و اردوغان آن‌ها را متهم به توطئه و براندازی.

۱. <https://www.sharghdaily.com/fa/>

۸۷۹۶۷۲۲-tiny/news

۲. پیشین.

۳. گل محمدی، ولی. (۱۴۰۰). سیاست خارجی ترکیه در عصر گذار نظام بین‌الملل.

ص ۱۲۰.

۴. پیشین، ص ۱۴۰.

طالبان دستور منع پخش موسیقی در عروسی‌ها را صادر کردند



۸صبح، کابل: طالبان به مالکان هتل‌های عروسی در شهر کابل، بار دیگر دستور دادند که در محفل‌های عروسی از پخش موسیقی اجتناب کنند.

وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان روز یک‌شنبه، ۲۱ جوزا، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که وزارت عدلیه و این وزارت به‌گونه مشترک این فیصله را در مورد ممنوعیت پخش موسیقی در محفل‌های عروسی کرده‌اند.

در اعلامیه این وزارت آمده است: «در جلسه بررسی تالارهای عروسی، مسولان وزارت عدلیه از مالکان هتل‌ها خواستند تا از پخش موسیقی و انجام کارهای مغایر با موازین اسلامی خودداری کنند.»

طالبان به تالارهای عروسی هشدار داده‌اند که این موضوع را دنبال و با متخلفان برخورد جدی خواهند کرد.

این گروه پس از تسلط دوباره بر کشور، قوانین سخت‌گیرانه‌ای را بالای شهروندان وضع کرده

است.

پیش از این نیز طالبان به‌ویژه وزارت امر به معروف و نهی از منکر این گروه بارها به‌گونه شفاهی از مالکان هتل‌های عروسی خواسته تا اجازه پخش موسیقی را در محفل‌های عروسی ندهند.

با این حال، ادعاهایی وجود دارد که محفل‌داران در هتل‌های عروسی شهر کابل برای پخش موسیقی در محفل‌های‌شان به مسولان امنیتی طالبان باج می‌دهند.

منع ورود به دانشگاه؛

فارغان دختر برای طے مراحل اسناد تحصیلے خود با مشکل برخوردند

په‌نیا



نیاز به خود آنان دارد؛ چون دانش‌آموخته از تعداد مضمون‌ها و کریدت درسی خود باخبر است و در صورت کم رساندن تعداد کریدت‌ها و دیگر نارسایی‌ها، می‌تواند در همان زمان اصلاح کند. او می‌گوید: «ترانسکرپت نمرات به زبان انگلیسی رسانده شده است. من اگر پدر یا برادر خود را هم بفروشم، نمی‌تواند آن را بخواند و از خیلی از هم‌صنفی‌هایم تا جایی که شنیده‌ام، به دلیل دقیق نرساندن کریدت‌های مضمون، نمرات‌شان بالا و پایین شده است.» اما او می‌گوید که این توصیه‌ها به ذهن طالب نمی‌گنجد.

از سویی، شفیقه نیز در انتظار نمرات چهار سال تحصیلی‌اش است تا در مقطع ماستری درخواست بورسیه به دانشگاه‌های بیرون از کشور را بدهد. با این حال، به دست آوردن تصدیق‌نامه و نمرات چهار سال تحصیلی‌اش، کار ساده‌ای نیست. او می‌افزاید: «به نظر طالب آنان در حق ما لطف کرده که محرم ما را اجازه می‌دهند تا اسناد ما را طی مراحل کنند؛ اما آثانی که محرم ندارند و محرم‌شان بیرون از کشورند، چه کار کنند؟»

سوالی که پاسخ آن از سوی طالبان برای دانش‌آموخته‌گان دختر غیرمعمول است. به گفته این دانش‌آموخته‌گان، طالبان در پاسخ این سوال گفته‌اند که تعداد کسانی که محرم ندارند، بسیار کم است. شفیقه در این مورد نیز می‌گوید: «حتا یک نفر هم که باشد، آیا او حق گرفتن نتیجه چهار یا پنج سال زحمت تحصیلی‌اش را ندارد؟ این کار واقعا در حق دختران نانصافی است.»

پیشتر همزمان با بسته شدن دانشگاه‌ها به روی دختران از سوی طالبان، وزارت تحصیلات عالی این گروه به تمام دانشگاه‌های دولتی و خصوصی دستور داده است تا اسناد فراغت تحصیلی دختران که در سال ۱۴۰۱ خورشیدی فارغ شده‌اند را طی مراحل نکنند و به هیچ یک از دختران فارغ تحصیل تا امر بعدی سند فراغت داده نشود.

حوا، فارغ تحصیل دانشگاه پلی‌تکنیک کابل، بار دیگر از ولایت بامیان به شهر کابل آمده تا اسناد و یا هم تصدیق‌نامه فراغت‌ش را بگیرد و در موسسه‌هایی که بست کاری اعلام می‌شود، پیشنهاد کار دهد. اما به گفته او، برای قبول شدن در سازمان‌هایی که درخواست نیروی کار دارند، باید حداقل یکی از سندهای دانشگاه که نشان دهد او فارغ تحصیل شده است را ضمیمه درخواست کاری کند. او در این مورد می‌گوید: «با وضعیت بد اقتصادی که داریم، کرایه موتر داده و کابل آمده‌ام تا بعد از این برای درخواست دادن برای کار تصدیق‌نامه یا نمرات خود را داشته باشم، اما برایم اجازه نداند تا وارد دانشگاه شوم.» به گفته این دانش‌آموخته، او نمی‌تواند از پدرش خواهش کند تا کابل بیاید؛ چون جای بودوباش ندارد و برای کرایه گرفتن محل زنده‌گی نیز یک مقدار هزینه نیاز است که آنان در این شرایط قادر به پرداخت آن نیستند.

این در حالی است که با گذشت کمتر از دو سال از حاکمیت طالبان، این گروه تا حال هیچ اقدامی مبنی بر بازگشایی درب دانشگاه و مکتب‌ها به روی دختران نکرده است. همچنان محرومیت‌ها از سوی طالبان بالای زنان و دختران افغان در عرصه‌های مختلف چون حق کار، فعالیت اجتماعی و به‌خصوص آموزش هر روز در حال افزایش است. با این که اقدام‌های زن‌ستیزانه این گروه هر بار از سوی جامعه بین‌الملل و سازمان حقوق بشر محکوم می‌شود، اما به نظر می‌رسد که طالبان به خواست زنان در افغانستان و جامعه ملل تمکین نمی‌کنند.

دلیل نداشتن نمرات چهارساله تحصیلی‌اش، تا حال نتوانسته است درخواستش را بفرستد. او می‌افزاید: «از این‌جا چیزی ساخته نیست؛ حتا برای گرفتن سند اجازه ندارم که به دانشگاه بروم. به همین خاطر به دنبال بورسیه استم و تا حال خیلی فرصت‌ها را به دلیل نداشتن نمرات خود که معلوم شود من واجد شرایط بورسیه استم، از دست داده‌ام.»

ذکیه فارغ تحصیل دیگر از دانشگاه کابل است. او نیز به هدف طی مراحل اسناد تحصیلی‌اش بارها به دانشگاه مراجعه کرده، اما طالبان به او نیز اجازه ورود به دانشگاه را نداده‌اند. ذکیه مجبور شده است پدرش را که سواد کافی ندارد، برای طی مراحل اسنادش به دانشگاه بفرستد. او می‌گوید: «من در جایی که پنج سال درس خواندم، نتوانستم به خاطر گرفتن نمرات خود داخل شوم؛ چرا که دخترم. مجبور شدم پدرم را برای طی مراحل کردن نمرات خود به دانشگاه بفرستم. این کجایش منطقی است؟»

پدر این دانش‌آموخته به دلیل نآشنایی با محیط دانشگاه و نداشتن سواد کافی، با مشکلات جدی روبه‌رو شده و کار یک روز را با مشقت‌های فراوان در سه روز انجام داده است. او مجبور می‌شود بار دیگر برای اصلاح مدرک نمرات دخترش، دو روز دیگر نیز کارهایش را کنار بگذارد. ذکیه می‌افزاید: «پدرم نابلد بود و به‌سختی امور محصلان را پیدا کرد. بعد او را به بانک فرستاده بودند، ولی در آخر همه چیز اشتباه شده بود. به جای نام و تخلصم، نام کسی دیگر را نوشته کرده بودند و تاریخ تولدم را هم اشتباه رسانده بودند.»

در کنار این، دانشجویان دختر می‌گویند که افراد گروه طالبان جز پدر و برادر دانشجوی، سایر اقارب وی، از جمله کاکا و پسر کاکا را نیز برای طی مراحل اسناد اجازه نمی‌دهند. به گفته این دانشجویان، افراد طالبان برای بررسی این کار، تذکره دانشجوی و پدر یا برادر آنان را در هنگام وارد شدن به دانشگاه بررسی می‌کنند تا دختران کسی دیگر را به جای پدر یا برادرشان نفرستند.

شفیقه، فارغ تحصیل دانشگاه پلی‌تکنیک کابل، نیز در این مورد می‌گوید که افراد طالبان به دانش‌آموخته‌گان دختر اجازه ورود به دانشگاه برای طی مراحل نمرات و تصدیق‌نامه‌شان نمی‌دهند. افراد این گروه او را نیز بارها از درب دانشگاه رانده‌اند. او می‌گوید: «هر بار رفتم، برایم گفتند که باید پدر یا برادرتان بیاید. پدرم سواد ندارد و از طرفی پیر و ناتوان شده است. او چگونه کار طی مراحل اسناد مرا پیش ببرد!»

به گفته این دانش‌آموخته، طی مراحل اسناد

شریفه، دانش‌آموخته دانشگاه کابل است. او سال گذشته فارغ شده است. شریفه این دستور طالبان را توهین به شعور دختران دانشجوی می‌خواند و می‌گوید که آنان اکنون به دلیل جنسیت‌شان نمی‌توانند وارد محیط آموزشی شوند. به باور او، این مزخرف‌ترین اتفاقی است که برایش رخ داده است. شریفه بیشتر از دو هفته است که برای طی مراحل اسناد خود تلاش کرده است.

وزارت تحصیلات عالی طالبان در ادامه وضع محدودیت‌ها بر زنان، این بار به فارغان دختر دانشگاه‌های دولتی اجازه طی مراحل اسناد تحصیلی‌شان را نمی‌دهد. براساس دستور این گروه، فارغان دختر تنها زمانی می‌توانند به اسناد تحصیلی‌شان دست یابند که برای پیش‌برد کارهای اداری آن، مردان خانواده را به دانشگاه بفرستند. اکنون که چند هفته از عملی شدن این تصمیم می‌گذرد، شماری از دانشجویان دختر به دلیل نداشتن پدر، برادر یا نبود سواد کافی در میان اعضای مرد خانواده، تا کنون موفق به گرفتن اسناد تحصیلی‌شان نشده‌اند. دانشجویان دختر این قدام طالبان را دور از منطق خوانده و می‌گویند که آنان به علت این دستور، چندین بورسیه تحصیلی و شغل‌هایی که در آن اسناد تحصیلی ضرور است را از دست داده‌اند.

شریفه، دانش‌آموخته دانشگاه کابل است. او سال گذشته فارغ شده است. شریفه این دستور طالبان را توهین به شعور دختران دانشجوی می‌خواند و می‌گوید که آنان اکنون به دلیل جنسیت‌شان نمی‌توانند وارد محیط آموزشی شوند. به باور او، این مزخرف‌ترین اتفاقی است که برایش رخ داده است. شریفه بیشتر از دو هفته است که برای طی مراحل اسناد خود تلاش کرده است. با این حال، او به دلیل حضور نداشتن پدرش که پس از حاکمیت طالبان به کشوری دیگر مهاجر شده است و همچنان برادرش که مصروفیت‌های شبانه‌روزی دارد، نتوانسته است اسنادش را به دست بیاورد. به گفته شریفه، او تا حال چندین بار مراجعه کرده و عذر آورده است، اما طالبان قبول نکرده‌اند.

این دانش‌آموخته به دنبال فرصت‌های تحصیلی در مقطع ماستری است و می‌خواهد به چند دانشگاه درخواست ادامه تحصیل بدهد، اما به

یک زن باردار در هرات توسط پسراندرش به قتل رسید

۸صبح، هرات: منابع محلی در ولایت هرات می‌گویند که یک زن باردار توسط پسراندرش در این ولایت با ضربات چاقو به قتل رسیده است.

منابع به روزنامه ۸صبح می‌گویند که این رویداد عصر روز دوشنبه، ۲۲ جوزا، در جاده میلاد، منطقه فرقه از مربوطات ناحیه یازدهم شهر هرات رخ داده است.

منابع اضافه می‌کنند که این زن جوان برای خرید به دکان سر کوچه‌اش رفته بود؛ اما محتسبان امر به معروف طالبان به او گفته‌اند که حجاب را مراعات نکرده است.

به گفته منابع، محتسبان طالبان با این خانم جوان به درب خانه‌اش آمده و شوهر و پسراندرش وی را احضار می‌کنند و به آنان می‌گویند که این خانم حجاب را مراعات نمی‌کند.

منابع افزوده‌اند که پس از صحبت‌های محتسبان امر به معروف طالبان، پسراندر این خانم در حضور شوهر ۷۵ ساله‌اش او را با ضربات چاقو به قتل می‌رساند.

طبق اظهارات منابع، نام این زن سارا بود و ۲۶ سال سن داشت.

در همین حال، منابع می‌افزایند که سارا طفل نه ماهه در بطن داشت که توسط پسراندرش به‌گونه ظالمانه با ضربات چاقو به قتل رسید.

براساس صحبت‌های منابع، شوهر ۷۵ ساله سارا توسط طالبان بازداشت شده، اما پسراندرش فرار کرده است.

طالبان در این مورد چیزی نگفته‌اند.

یک منبع از هرات که نمی‌خواهد از او نامی گرفته شود می‌گوید که امر به معروف طالبان عامل اصلی این رویداد است که با استفاده از صحبت‌های شان از احساسات مردم سوءاستفاده می‌کنند.

گفتنی است که پس از سلطه طالبان بر کشور، این گروه محدودیت‌های زیادی را علیه زنان وضع کرده‌اند.



یک بزرگ قومی در هلمند کشته شد

۸صبح، هلمند: منابع محلی در ولایت هلمند از کشته شدن یک بزرگ قومی در این ولایت توسط تفنگ‌داران ناشناس خبر می‌دهند. منابع روز دوشنبه، ۲۲ جوزا، می‌گویند که تفنگ‌داران ناشناس موترسایکل‌سوار، این فرد را در شهر لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند کشته‌اند.

براساس گفته‌های منابع، این فرد ملک حاجی سیدرسول خان نام داشت.

منابع می‌افزایند که سیدرسول خان در حال موترسایکل‌سواری بود که تفنگ‌داران ناشناس او را متوقف کرده و سپس بر او شلیک کرده و از ساحه فرار کرده‌اند.

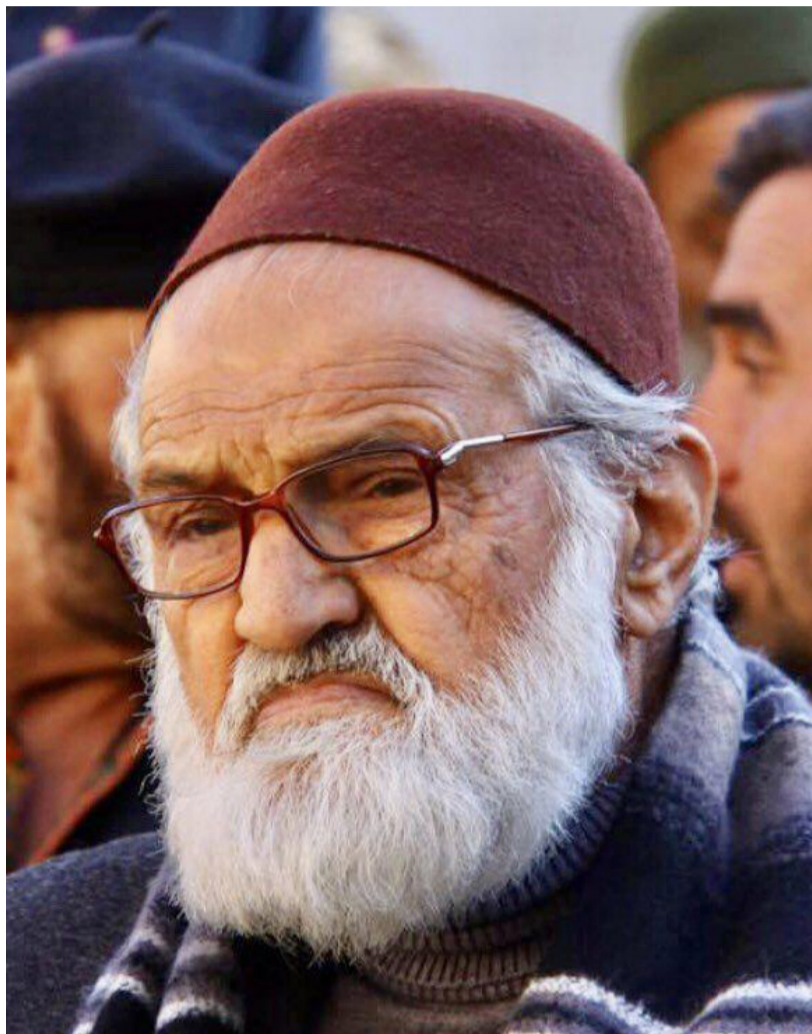
انگیزه این رویداد تا کنون مشخص نشده است.

طالبان نیز در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که در یک رویداد دیگر نیز افراد ناشناس جوانی به نام امیدالله را که دانشجوی سال دوم دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تخار بود، در این ولایت کشتند.

ستیز بی رحمانه با زنده‌گان و ستایش گزافه آمیز مرده‌گان

مهران موحد

یکی از قرائنی که بیان‌گر ریاکاری دست‌کم عده‌ای از ادب‌دوستان اهل افغانستان در مرثیه‌خوانی برای حیدری وجودی است این است که آنان تا کنون که سه سال از وفات وی می‌گذرد، هیچ کار در خوری برای نشر، بازخوانی و نقد آثارش صورت نداده‌اند.



قدر مسلم این است که عادت ستیز بی‌قاعده و ناروا با زنده‌ها و احترام افراطی به مرده‌ها عادت نامطلوب و آسیب‌رسان است و باید از آن پرهیز کرد. بهتر است همیشه این نکته را آویزه گوش خود کنیم که همه ما دیر یا زود می‌میریم.

از وفاتش چیزی نوشته بودم. مخالفت‌ها با آن نقد، بیشتر بر این فرض استوار بود که نباید به شخصی که تازه فوت کرده نقد نوشت. سوال این است: چرا تخریب و ویران کردن افراد در زنده‌گی‌شان اشکالی نداشته باشد بلکه رویه معمول و کنش معقول به‌شمار آید، اما نازک‌تر از گل گفتن به آن‌ها پس از مرگ، عمل نادرست تلقی شود؟ برخی از روایات دینی، که صحت آن چندان محرز و مسلم نیست هرچند به آن پیوسته استناد می‌شود، توصیه کرده که «اذکروا محاسن موتاکم» (= خوبی‌های مرده‌گان‌تان را یاد کنید) و در ادامه این را هم افزوده که مرده‌ها از جهان رفته‌اند و دست ما به آن‌ها نمی‌رسد، با یادآوری از بدی‌های مرده‌گان، مبادا زنده‌ها را ناراحت کنید. مقصود از ذکر این روایت این است که بگویم، یکی از دلایل احترام به مرده‌گان شاید این باشد که می‌خواهیم تصویر زیبا از خود در نزد دوستان و خویشاوندان مرده‌گان به‌جا بگذاریم. با ذکر محاسن مرده‌های سرشناس، به دوست‌داران آنان نشان می‌دهیم که ما قدر هنر و ادب و دانش را می‌دانیم و اهل خریدیم و نام بزرگان را به نیکی می‌بریم و از مفاخر خود پاسداری می‌کنیم.

ممکن است یکی از علت‌های جامعه‌شناسانه رواج مرده‌دوستی در جامعه ما این باشد که مردم ما گذشته‌گرا و سنت‌پرست هستند. این گذشته‌گرایی شاید از این ناشی می‌شود که جامعه ما معمولاً تاریخ کهن دارد و از دام گذشته نرهیده است و بیشتر از این که به امروز خود افتخار کند به گذشته خود می‌چسبد و به آن فخر می‌فرشود. آدم‌ها وقتی می‌میرند متعلق به گذشته و غیرقابل دسترس می‌شوند و در حال‌های از قدسیت پیچیده می‌شوند. گذشته در جامعه ما معمولاً در قیاس به حال و آینده پراهمیت‌تر و ارزش‌مندتر است. تصور این است که به همان اندازه‌ای که روزگاران سپری شده شیرین و باصفا بوده، آینده زشت‌تر و پلشت‌تر است.

در هر حال، قدر مسلم این است که عادت ستیز بی‌قاعده و ناروا با زنده‌ها و احترام افراطی به مرده‌ها عادت نامطلوب و آسیب‌رسان است و باید از آن پرهیز کرد. بهتر است همیشه این نکته را آویزه گوش خود کنیم که همه ما دیر یا زود می‌میریم. چه خوب است که محاسبات حقیق را کناری نهمیم و به دوستان و بزرگان تا وقتی زنده هستند مهربانی کنیم و یاری رسانیم و از خوبی‌های آنان در حیات‌شان یاد کنیم و همین اکنون در مناقب‌شان داد سخن دهیم و در زنده‌گی قدرشان را بدانیم پیش از این که دیر شود و ما چاره‌ای جز حسرت خوردن نداشته باشیم. از سوی دیگر، نباید عادت احترام به رفته‌گان موجب شود نقدهای خونسردانه و متین راجع به کارنامه آن‌ها را نیز بی‌اعتبار جلوه دهیم و به بهانه احترام به مرده، صدای منتقدان را خفه کنیم. آن‌هایی که از دنیا رفته‌اند، روزگاری زنده بودند و فعالیت کرده و آثار و نشانه‌هایی از خود برجا نهاده‌اند. ما ناگزیریم تکلیف خود را با این آثار و نشانه‌ها روشن کنیم و این کار جز با نقد فارغ از حب و بغض شخصی ممکن نیست. باید همه ما به این اندازه از شعور و آگاهی برسیم که نقد مرده‌ها، همانند نقد زنده‌ها، در عین حالی که نشانه بی‌احترامی به آن‌ها نیست، ضرورتی است که هر جامعه پویا و سرزنده نمی‌تواند از آن مستغنی باشد. اگر جهان توسعه‌یافته گذشته‌گان را نقد و نسبت به میراث آنان با هشیاری برخورد نمی‌کرد، اکنون مثلاً ساینس و ریاضی در همان مرحله اقلیدس، ارشمیدس و بطلمیوس باقی می‌ماند. در جوامع پیشرفته، هیچ عاقلی یافت نمی‌شود که برخورد نقادانه با موارث بزرگان را بی‌احترامی به آن‌ها بشمارد.

گویا آدم‌ها پس از مرگ آشنایان و شخصیت‌های محبوب‌شان تازه متوجه می‌شوند که آن‌طور که شاید و باید نخوانسته‌اند حق دوستی و اخلاص را ادا کنند و مشغله‌ها و درگیری‌های زنده‌گی روزمره فرصت مهرورزی و لطف در حق رفته‌گان را از آن‌ها سلب کرده است. ستایش از رفته‌گان در خود نوعی افسوس به فرصت‌های از دست‌رفته را نهفته دارد. البته این برخورد فقط با افراد مشهور و نام‌های شاخص صورت نمی‌گیرد. خانواده‌هایی را سراغ داریم که در برابر پدر یا مادر خود با بی‌اعتنایی رفتار می‌کنند، اما همین که آن‌ها چشم از جهان فروبستند، یادشان می‌آید که چه فرصت‌های گران‌بهایی را برای لطف و مهربانی در حق آن‌ها از دست داده‌اند و به همین علت، اندوهگین و افسرده می‌شوند.

یک انگیزه دیگر هم می‌تواند در این مساله دخالت داشته باشد: آنانی که می‌میرند در حالت بی‌دفاعی و مظلومیت قرار می‌گیرند و توان حمایت از خود را از دست می‌دهند و قدرت ضرر رساندن به ما را ندارند. انسان‌ها معمولاً با آدم‌های مظلوم و بی‌دفاع رفتار مهربانانه‌تری از خود نشان می‌دهند و وقتی می‌بینند آن‌ها قادر به دفاع از خود نیستند، اقدام به دفاع و حمایت از آنان می‌کنند. در این راستا این نکته هم قابل طرح است که در فرهنگ ما، نقد رفته‌گان نشانه فرصت‌طلبی و بی‌مروتی است. زمانی در ارزیابی و نقد یکی از ملاهای کابل پس

کنون که سه سال از وفات وی می‌گذرد، هیچ کار در خوری برای نشر، بازخوانی و نقد آثارش صورت نداده‌اند. حتا همان اشخاصی که خود را از مریدان سینه‌چاک و دوست‌داران مخلص او جلوه می‌دهند و قادرند کار شایسته‌ای برای زنده نگه داشتن نام او انجام دهند، تا کنون هیچ کاری انجام نداده‌اند و به همان مینیمال‌نویسی‌های سوگ‌آلود بسنده کرده‌اند. آن‌ها می‌دانند برای عرضه تصویر نیکو از خود، کافی است متن احساسی در فیس‌بوک یا توییتر بنویسند یا بیتی از اشعار وجودی را نقل و بدین‌گونه تا سال دیگر و سالگرد دیگر خیال خود را راحت کنند. در جامعه‌های پیشرفته، وفات نویسندگان و شاعران، مناسبتی به‌دست می‌دهد تا اصحاب نظر و منتقدان همت بگمارند و پرونده ویژه‌ای را در این زمینه اختصاص دهند. چندی پیش، مارتین ایمیس، نویسنده بریتانیایی که «استالین مخوف» را نوشته است، درگذشت. روزنامه‌نویسان و منتقدان، بدون افتادن در دام کمینه‌گرایی، مطالب درخور شأن خود نشر کردند و مرگ وی را مناسبتی ساختند برای شناساندن او به خواننده‌گانی که تا کنون چیزی از او نخوانده‌اند. شاید یکی از علت‌های احترام ما به آدم‌ها پس از مرگ‌شان این باشد که ما می‌خواهیم با ذکر فضایل افراد از دست‌رفته گذشته را جبران و بی‌مهری‌هایی را که نسبت به متوفا در زمان زنده بودنش روا داشته‌ایم به نوعی تلافی کنیم.

سه سال پیش در این روزها، حیدری وجودی، شاعر عارف‌مسلك پرواوزه افغانستان، در اثر بیماری کرونا رخت از جهان بست. به مناسبت سه‌ساله‌گی درگذشت وجودی، کاربران شبکه‌های اجتماعی در افغانستان، که دست‌کم بخشی از واقعیت‌های این کشور را آینه‌داری می‌کنند، سنگ تمام گذاشتند و از افراد عادی تا اشخاص سرشناس درباره او نوشتند و شخصیت و کارنامه‌اش را ستودند. سوالی که به میان می‌آید این است که این همه آدم فرهیخته و ادب‌دوست در زمان حیات حیدری وجودی کجا بودند و چرا زمانی که ایشان در قید حیات بود، سراغش را نمی‌گرفتند، کتاب‌هایش را نمی‌خریدند، در مجالس درسش حضور نمی‌یافتند و احترامی را که وی به حق شایسته‌اش بود در حقش به‌جا نمی‌آوردند؟ در جامعه ما که نامهربانی نسبت به زنده‌ها، درهم‌شکستن آنان و نادیده گرفتن هنرها و فضایل‌شان، سکه رایج است، آیا راه افتادن موج تمجید و ستایش بی‌رویه از یک شاعر پس از مرگ، پرسش‌هایی را خلق نمی‌کند؟ چرا باید پس از مرگ شاعران، نویسنده‌گان و هنرمندان به سراغ آن‌ها برویم و از آن‌ها یاد کنیم و در بازگویی و شرح فضایل آن‌ها بکوشیم؟

چند سال پیش، فرصتی مهیا شد تا برای مدت طولانی با حیدری وجودی، شاعر عارف‌مسلك پرواوزه افغانستان، از نزدیک دم‌خور باشم و تا حدودی با جهان‌بینی‌اش آشنا شوم. در این مدت، گاه‌گاهی برای آن که وی را سر حرف بیاورم، موضوعات و پرسش‌هایی را به‌میان می‌آوردم و دوست داشتم او در این موارد حرف بزند و نظراتش را بیان کند. او هم بدون محافظه‌کاری و خودسانسوری مکنونات قلبی‌اش را افشا و حتا راجع به جنجالی‌ترین مسایل اظهار نظر می‌کرد. نمی‌دانم در جلساتی که در کتاب‌خانه عامه کابل برگزار می‌کرد و مردمانی از هر جنس در آن حضور می‌یافتند نیز صریح و شفاف سخن می‌زد یا آن که در آن جلسه‌ها برای رعایت حال مخاطبان، به تعبیری که خودش زیاد به‌کار می‌برد «راز مگو» را آشکار نمی‌کرد. در هر حال، حیدری وجودی در آن دیدارها در کنار حرف زدن از کتاب‌های عرفانی و تصوفی، از سرگذشتش هم می‌گفت و از برخوردها با افراد مختلف و برداشت‌هایش از آن‌ها. یکی از موضوعاتی که چند بار و به تفصیل در آن روزها از آن حرف زد، بی‌مهری انبای زمانه در حق او بود. از افراد خاصی نام می‌گرفت که در کارهای فرهنگی از او کمک طلبیده و برای اعتراف متظاهرانه به بزرگی‌اش دست وی را بوسیده بودند؛ اما در عمل، او را فریب داده و از نامش سوءاستفاده کرده و پول‌های گزافی به جیب زده بودند. از علاقه‌اش به تدریس در دانشگاه کابل می‌گفت و گلایه داشت از این که «منصب‌داران حکومتی» در این راه یاری‌اش نرسانند. از دشواری‌هایی که در زنده‌گی با آن مواجه شده بود حرف می‌زد و از مخالفت‌ها و توطئه‌های برخی ملاها با وی در اوایل دوران شاعری‌اش در پنجشیر داستان‌ها در انبان حافظه داشت. یاد می‌آید که او یک بار از نداشتن امکانات برای چاپ کردن کتاب‌های شعرش نیز سخن به میان آورد. با این توضیحات، قطعاً می‌توان گفت، اگر فقط یک درصد از آنانی که حالا از او به نیکویی یاد می‌کنند و شعرها و عکس‌هایش را در صفحات خود در سوشیال‌میڈیا به نشر می‌رسانند، در زمان زنده بودنش نسبت به او عین مهربانی را می‌داشتند، حیدری وجودی با بغض در گلو جهان فانی را وداع نمی‌گفت.

یکی از قرائنی که بیان‌گر ریاکاری دست‌کم عده‌ای از ادب‌دوستان اهل افغانستان در مرثیه‌خوانی برای حیدری وجودی است این است که آنان تا

خطر نظام‌های تیوکراتیک



اتل سالار هاشمی

تقسیم نظام‌های دولتی به مذهبی و غیرمذهبی، عواقب ناگوار دارد. نظام سیاسی پدیده خارج از حوزه مذهب است. تنها تعداد انگشت‌شماری از اصول اداری و اخلاقی اسلام را که قواعد عمومی اند، می‌توان در قوانین اداری و سیاسی نیز گنجاند، از جمله اصول مشوره، عدالت، دعوت به نیکوکاری و جلوگیری از عمل زشت. این اصول رنگ خاص مذهبی و دینی ندارند و اصول عمومی مورد قبول جوامع مختلف بشری‌اند. این اصول با روحیه قوانین مدنی معاصر همخوان بوده و در آن‌ها انعکاس می‌یابند. غیر از این، مسایل بسیاری در قوانین وجود دارند که دین به آن‌ها نمی‌پردازد و انتظار هم نمی‌رود که برای گشودن تمام گره‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اعصار گوناگون به منابع مشخص دینی مراجعه شود. بیشتر این مسایل با تحول جوامع انسانی، خلق و یا ناپدید می‌شوند و هر جامعه در مراحل مختلف تاریخی برای رسیده‌گی به آن مسایل راه‌هایی را پیشکش می‌کند.

این واقعیت را ممکن کسانی نپذیرند، ولی گذر زمان آنان را نیز متوجه خواهد ساخت که بدون اتکا به یک نظام قانونی - مدنی نمی‌توان به امور پیچیده زنده‌گی معاصر رسیده‌گی کرد و نظم، رفاه و امنیت را برقرار ساخت. با انکار و چشم‌پوشی نمی‌توان واقعیت‌ها را تغییر داد. اگر گذشته چراغ راه ما باشد، باید بپذیریم آنانی که تن به واقعیت‌ها نمی‌دهند و تلاش دارند جهان را در چارچوب محدود ذهنی خود عیار سازند، دیر یا زود اصلاح و یا از عرصه عمومی حذف شده و جای خود را به آنانی خواهند داد که فرزندان زمان خودند و نیازهای عصر را به‌درستی درک می‌کنند. حال به این می‌پردازیم که نظام‌های تیوکراتیک چه خطراتی را متوجه دنیای متمدن امروز خواهند کرد؟ هر گروه تنگ‌نظر و عقب‌مانده‌ای که دچار توهم انحصار حقیقت باشد و تصور کند که دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه آن عین حقیقت است و برای تحمیل آن بر تمام جامعه دست به سلاح و اعمال خونبار بزند، برای تمدن امروز خطر است و تداومش می‌تواند بخشی از جامعه انسانی را در دچار رنج‌ها و آفات جبران‌ناپذیر کند.

کسی که به تمام امور زنده‌گی فردی و اجتماعی از عینک مذهب نگاه می‌کند، تصور دارد که غیر از خود او و امثالش دیگران همه گمراه هستند، و نظام‌های دیگر کفری‌اند و باید نابود شوند. کسانی که غیر از نظام آنان به نظام دیگری باورمند باشند و با قواعد نظام دیگری زنده‌گی، دآوری و عمل کنند نیز در ذهن افراد تکفیری مرتد و کافر می‌نمایند. آنان ادبیات ویژه‌ای دارند و با گفتن جملاتی از این دست، افکار عقب‌مانده خود را توجیه می‌کنند: «آنان خلاف

دستور الله فیصله کرده‌اند. در نظام طاغوت کار کرده‌اند. از این‌رو، به لعنت خداوند گرفتارند!» آنان پس از بیان این قضاوت‌های کلی و تنگ‌نظرانه دست به ماشه شده و افراد مخالف را به اتهام همکاری با طاغوت می‌کشند، و اگر نکشند به چشم مجرم‌ان نگاه کرده و مستوجب تحقیر، محرومیت و شکنجه می‌دانند.

نزد این گروه از افراد تنگ‌نظر و تکفیری انواع مهرهای اتهام وجود دارد و هرگز در تکفیر و تحقیر دیگران کم نمی‌آورند. به ندرت کسی بیرون از حلقه آنان می‌تواند از اتهام سیاسی - مذهبی دور بماند. آنان جدا از این که چقدر آگاهی دارند، سطح سوادشان در چه حدی است و صلاحیت حقوقی دارند یا نه، هر کدام در حوزه نفوذ و قدرت‌ش، به خود حق می‌دهد که دیگران را متهم به جرمی کند و مال و جان غیرخودی‌ها را حلال بشمارد.

یکی از حربه‌های بسیار خطرناکی که حاکمان تیوکرات علیه دیگران به کار می‌برند و در جامعه ما متأسفانه بسیار موثر تمام شده، پوشیدن نقاب مقدس نماینده‌گی انحصاری از دین اسلام است. آنان دین را چون شمشیر برای حذف مخالفان استفاده می‌کنند و هر کسی را که دوست نداشته باشند و با تصورات و اوهام خود همسو نبینند، می‌کشند یا حربه دین آسیب بزنند. آنان موانع فرار قدرت خود را با این حربه بر می‌دارند و اگر قدرت را از دست بدهند، برای فریب اذهان مردم از حربه دین به‌خاطر کسب مجدد قدرت استفاده می‌کنند و با مالیدن لعاب دین به تمایلات و منافع شخصی یا قشری خود، مردم را فریب می‌دهند. آن‌گاه فریب‌خورده‌گان را به نیروی جنگی کور و رایگان بدل کرده و برای حذف مخالفان به کار می‌اندازند.

در جامعه عقب‌مانده و محروم این ذهنیت اگر با حمایت‌های مالی و استخباراتی همسایه‌گان و قدرت‌مندان خارجی همراه شود، چون بیماری همه‌گیر پخش می‌شود و بدون تفکیک محل، فرهنگ، قوم، قبیله، رنگ، زبان و سمت جمعیت‌های بزرگی از ساکنان کشور، به‌خصوص کودکان و نوجوانان را آلوده می‌کند. بیماران آلوده به ویروس مذهبی که از سوی متخصصان استخباراتی مهندسی و نشر شده، بیماری خود را نوعی امتیاز و توهمنشان را مقدس می‌پندارند. آنان تصور می‌کنند که نسبت به همه برتر و در مقام ویژه قرار گرفته‌اند و دست‌های پنهان استخباراتی را که برای‌شان انگیزه، برنامه و حمایت‌های مالی عرضه می‌کنند، با اراده خداوند اشتباه می‌گیرند. آن‌گاه می‌کشند مردم را با فرمان، تهدید، میله تفنگ و شلاق وادار کنند که برتری آنان را بپذیرند. به مردم می‌گویند که نظام ما عین

نظام الاهی است و فرمان‌هایی را که برای اعمال قدرت، کسب ثروت و حذف حریفان و مخالفان صادر می‌کنیم شریعت آسمانی می‌باشد. اطاعت از دستگیر ملامهای مذهبی تشنه قدرت و انحصارگر را مساوی به اطاعت از فرمان الاهی و شریعت آسمانی اعلام کرده و جامعه را موظف به پیروی بی‌چون‌وچرا می‌دانند. عواقب حاکمیت گروه مذهبی افراطی و تنگ‌نظر در بخشی از جهان در همان‌جا محدود نمی‌ماند و به افراد و گروه‌های افراطی در گوشه و کنار جهان انگیزه می‌دهد. در کشور ما، سقوط جمهوری اسلامی از سوی تندروان و دهشت‌افگنان در مناطق مختلف تجلیل شد و عده‌ای آرزو کردند که آن اتفاق را در کشور خود نیز شاهد باشند و روزی بتوانند حکومت مذهبی افراطی را حاکم سازند. حضور ده‌ها گروه و هزاران جنگ‌جوی خارجی در افغانستان که برای جنگ در سرزمین مادری‌شان آماده‌گی می‌گیرند، گواه سرایت بیماری تندروی به خارج از مرزهاست. برگشت طالبان به قدرت در افغانستان به گروه‌های اسلام‌گرای دیگر کشورها جرئت و انگیزه بیشتر از پیش برای جنگیدن و کسب قدرت از راه خشونت داده است. آنان تصور می‌کنند که وقتی طالبان توانستند آمریکا و متحدانش را در جنگ طولانی وادار به ترک افغانستان کنند، چرا آنان نباید حکومت‌های به مراتب ضعیف‌تر از آمریکا را در ممالک خود وادار به تسلیمی کنند؟ در پاکستان، تی‌تی‌پی برای ایجاد «امارت» در آن سوی خط دیورند می‌جنگد. اعضای این گروه که سال‌ها در کنار طالبان جنگیده و در میان این گروه حامیان و دوستان دیرینه دارند، از قدرت‌گیری همتایان‌شان در خاک افغانستان چون فرصت استفاده می‌کنند، از جنگ‌جویان و تسلیحات آن‌ها برای پیشبرد جنگ و نیز از سرزمین ما چون پناه‌گاه بهره می‌گیرند. احتمالاً فرماندهان طالبان پاکستانی به این می‌اندیشند که اگر کمپاین وسیع جهانی برای جلوگیری از حاکمیت طالبان به نتیجه نرسیده است، آن‌گاه چرا نباید به فروپاشی و شکست دولت پاکستان امیدوار بود؟ بخش‌های بزرگی از جامعه پاکستان چنان با افکار طالبانی آلوده شده و گروه‌های مذهبی افراطی چنان پرتعدادند که اگر دامن جنگ کمی گسترده‌تر شود و چنگال حاکمیت ارتش آن کشور بر بخش‌هایی از خاک پاکستان سست گردد، آن وقت جوی‌های خون جاری خواهد داد.

وقتی به تاریخ اسلام ببینیم متوجه می‌شویم که مدعیان نظام اسلامی قصر حاکمیت خود را با خون مردم برپا داشته‌اند. دیوار بناهای حاکمیت مذهبی با استخوان مردم اعمار شده و بر سر بام آن‌ها کله‌منارها برای ترس و «عبرت» بنا شده‌اند. اکنون نیز دقیقاً همان بازی جریان دارد. خون انسان‌ها به بهانه شریعت و حاکمیت مذهبی بی‌وقفه جاری است و در نتیجه، خانواده‌ها و جوامع بسیاری برباد می‌روند، فرهنگ‌ها و مدنیت‌ها آسیب می‌بینند و دین مردم از سوی تاجران مذهبی بدنام می‌شود.

در جهانی که بیش از هر زمان دیگر فاصله‌ها در آن کوتاه شده و شرق با غرب و جنوب با شمالش چون قریه کوچکی به هم وصل است، نتایج تحولاتی چون تسلیمی قدرت به طالبان در مرز یک کشور محدود نمی‌ماند. از این‌رو، حاکمیت مذهبی و تحمیل فرمان امیر یک گروه تندرو مذهبی به‌جای قوانین مدنی، بسیار خطرناک است؛ خطرناک‌تر از تسلیحات هسته‌ای.

اگر تسلیحات کشتار جمعی به‌دست اعضای این گروه بیفتد، به هیچ انسانی که چون خود آنان نمی‌اندیشد رحم نخواهند کرد. آنان هر چیزی را که مانع قدرت‌شان شود دشمن می‌خوانند و نابودی آن را مأموریت دینی جوانان فریب‌خورده عنوان می‌کنند. آنان در کشتن، چور، سرکوب، خون‌ریزی و کشتار شادی خدای خود را می‌بینند. حتا حیوانات از شر آنان در امان نیستند.

این گونه افراد اگر برای مدت طولانی قدرت را در

کشور ما در اختیار داشته باشند، از نسل آینده چه ساخته خواهد شد و به جهان چه تحفه‌ای خواهند فرستاد؟ اکنون آنان برای تکثیر ذهنیت حذف‌گرا و تکفیری خود مدارس می‌سازند و ساختمان‌های دولتی از جمله مکتب‌ها را به مدرسه تبدیل می‌کنند. اگر طالبان با همین ذهنیت برای مدت طولانی در کشور ما حاکم باشند، نه تنها منطقه بلکه جهان را به فتنه‌ها و رنج‌های بسیار گرفتار خواهند کرد. مثل حاکمیت دور اول‌شان، گروه‌های افراطی که زیر چتر امارت طالبانی در کشور ما پناه گرفته‌اند به دیگر کشورها حمله کرده و هزاران انسان بی‌گناه را خواهند کشت. این بار نیز تروریسم و تندروی از سرزمین ما که در اختیار تروریستان گذاشته شده است، به گوشه و کنار جهان خطر و خشونت خواهد برد. مبارزه با طالبان تنها مأموریت ملت ما نیست، بلکه مردم منطقه و جهان باید برای نجات از این شر تدبیر بسنجند.

خشک‌سالی در هرات؛ طالبان: حاصلات للمی ۸۰ درصد کاهش یافته است

۸ صبح، هرات: مقام‌های محلی طالبان در ولایت هرات می‌گویند که خشک‌سالی‌ها سبب کاهش حاصلات للمی در این ولایت شده است.

محمدنسیم سحر، سرپرست ریاست زراعت، آبیاری و مالداری تحت مدیریت طالبان در هرات روز دوشنبه، ۲۲ جوزا، ضمن تگرانی از خشک‌سالی‌های سال جاری گفته که ۸۰ درصد حاصلات للمی در این ولایت کاهش یافته است.

وی افزوده که به دلیل کمبود باران در بهار امسال، کشت‌های للمی کاهش پیدا کرده است.

این در حالی است که شماری از باشندگان ولسوالی‌های هرات می‌گویند که کشت‌های للمی در شماری از بخش‌های این ولایت به‌خصوص در ولسوالی‌های گلران، کشک کهنه و رباط سنگی از بین رفته است.

خشک‌سالی همچنان کشت‌زارهای آبی را در هرات متضرر کرده است.

باشنده‌گان و کشاورزان در این ولایت از مقام‌های طالبان خواسته‌اند تا برای جلوگیری از نابودی کشت‌زارهای آنان آب بند سلما را رها کنند.

خشک‌سالی‌های پی‌درپی در طی چند سال اخیر در ولایت‌های حوزه غرب کشور باشندگان این ولایت‌ها را نگران و متضرر کرده است.



خبرنگار ارشد: امین کاوه

ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش مقالات: Info@8am.media

پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com • ۰۷۸۸۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰

نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

۸ صبح
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محق
سرمدبیر: حسیب بهش
تحلیل‌گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین
دبیر تولید: محمد نوید جويا

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

اداره هواشناسی هند اعلام کرد که توفانی شدید در سواحل غربی این کشور در حال وقوع است که می تواند ایالت غربی گجرات هند و بخش های جنوبی پاکستان را در بر گیرد. روبرتزو، روز دوشنبه، ۱۲ جون، به نقل از اداره هواشناسی هند (IMD) گزارش داده است که قرار است توفان موسوم به (Biparjio) پس از چاشت روز پنجشنبه هفته جاری بین گجرات هند و کراچی پاکستان با سرعت ۱۵۰ کیلومتر در ساعت به وقوع بپیوندد. به اتحادیه های ماهی گیری توصیه شده است که عملیات و تخلیه مردم از مناطق ساحلی «سائوراشترا و کوچ» در گجرات را متوقف کنند. دو بندر مهم و چندین تصفیه گاه نفت در این ایالت موقعیت دارند.

بلیکن:

دیپلماسی ایالات متحده گسترش جاسوسی چین را کند کرده است



آنتونی بلیکن، وزیر امور خارجه آمریکا می گوید که دولت بایدن، گام های دیپلماتیکی برداشته که تلاش چین برای ارایه قدرت نظامی در سراسر جهان را کند کرده است. بر بنیاد گزارش روبرتزو، بلیکن این اظهارات را روز دوشنبه، ۱۲ جون، در یک نشست خبری در واشنگتن مطرح کرده است. او همچنان ادعا کرد که چین در سال ۲۰۱۹ تاسیسات شتود و جمع آوری اطلاعات خود را در کوبا ارتقا داده بود. به گفته وی، دولت دونالد ترامپ، رییس جمهوری پیشین آمریکا از این موضوع آگاه بود، اما دولت جدید در سال ۲۰۲۱ به این نتیجه رسید که واشنگتن پیشرفت کافی در این زمینه نداشته است.

بلیکن تصریح کرد: «کارشناسان ما ارزیابی می کنند که تلاش های دیپلماتیک ما این تلاش های چین را کند کرده است.» با این حال، پکن ادعای آنتونی بلیکن وزیر خارجه ایالات متحده را یک «دروغ» خوانده است. پیشتر آسوشیتدپرس به نقل از منابع دولتی گزارش داده بود که بلیکن، قرار است در ۱۸ جنوری از چین بازدید کند. در ابتدا این دیدار برای فبروری سال جاری برنامه ریزی شده بود، اما در آن زمان به دنبال سرنگونی یک بالون جاسوسی چینی در حریم هوایی ایالات متحده، انجام نشد.



وزیر اول پیشین اسکاتلند پس از هفت ساعت بازجویی آزاد شد

نیکولا استورجن، وزیر اول پیشین اسکاتلند که به اتهام فساد مالی از سوی پولیس این کشور بازداشت شده بود، پس از هفت ساعت بازجویی آزاد شد. بر بنیاد گزارش روبرتزو، استورجن ناوقت روز یکشنبه، ۱۱ جون، از بند آزاد و اعلام بی گناهی کرده است.

خانم استورجن، پس از بازجویی و آزادی اش در توییتی نوشته است: «یقین داریم که مرتکب تخلفی نشده ام، اما در یک وضعیت شوکه کننده و عمیقاً آزاردهنده قرار دارم. هرگز کاری انجام نمی دهم که به حزب و کشورم لطمه بزند.» او با اعلام بی گناهی در این پرونده افزود: «با توجه به ماهیت پرونده نمی توانم وارد جزئیات شوم.» تحقیقات پولیس اسکاتلند به بیش از ۷۵۴ هزار دلار امریکایی مربوط می شود که سال ۲۰۱۷ توسط حامیان حزب ملی اسکاتلند به این حزب کمک شد.

پولیس به دنبال آن است تا بداند که این پول برای چه مصارف و اهدافی هزینه شده است. نیکلا استورجن که بیش از ۸ سال رهبری حزب «ملی اسکاتلند» را بر عهده داشت حدود چهار ماه پیش از مقامش استعفا داد.

اسکاتلند در سال ۲۰۱۴ یک همه پرسی برای استقلال از لندن برگزار کرد، اما ۵۵ درصد از شرکت کننده گان با استقلال مخالفت کردند.

این در حالی است که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و شیوع کرونا باعث شد تا بار دیگر موضوع استقلال اسکاتلند در میان بخشی از گروه های سیاسی مطرح شود.

نظرسنجی ها نشان می دهد که پس از استعفای استورجن، حمایت از حزب ملی اسکاتلند و استقلال کاهش پیدا کند.

دولت لندن نیز با برگزاری همه پرسی جدید درباره استقلال اسکاتلند مخالفت کرده است.

گوترش: ۱۶۰ میلیون کودک در سراسر جهان قربانی کار هستند



دبیرکل سازمان ملل متحد به مناسبت روز جهانی مبارزه با کار کودکان گفته است که امروزه ۱۶۰ میلیون کودک در سراسر جهان قربانی کار هستند. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد روز دوشنبه، ۱۲ جون، با نشر توییتی نوشته که این تقریباً یک نفر از هر ۱۰ کودک است. او خاطرنشان کرده است: «شرم آور است که امروزه ۱۶۰ میلیون کودک در سراسر جهان قربانی کار هستند.» گوترش تصریح کرده است: «در این روز پایان کودک کار ما باید متعهد به تلاش مضاعف برای توقف این عمل مضر

و محافظت از کودکان در برابر استثمار باشیم.» گفتنی است که از روز جهانی مبارزه با کار کودکان همساله در ۱۲ جون گرامی داشت می شود و هدف آن تقویت جنبش جهانی بر ضد کار کودکان است. پیشتر، صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در افغانستان گفت که از هر پنج کودک در این کشور، یک کودک مشغول کار است. برنامه جهانی غذا نیز گفته که این نهاد در حال افزایش آگاهی در مورد پایان دادن به کار کودکان در افغانستان و جهان است.

شهروندان آمریکا از تایوان تخلیه می شوند

نظر مستقیم در مورد این برنامه ریزی خودداری کرده و گفت: «ما درگیری در تنگه تایوان را قریب الوقوع یا اجتناب پذیر نمی بینیم.» موضوع تنگه تایوان از جمله پرونده های طولانی تنش میان آمریکا و چین محسوب می شود. آمریکا متحد دیرینه تایوان است و از جدایی آن از چین حمایت می کند. ایالات متحده این حمایت را در قالب کمک های نظامی، فروش تسلیحات و حمایت سیاسی ابراز می کند.

به دنبال افزایش تنش ها میان آمریکا و چین، دولت ایالات متحده در حال آماده سازی برنامه هایی برای تخلیه شهروندان از جزیره تایوان است. دلیلی آکسپرس روز دوشنبه، ۱۲ جون، به نقل از یک مقام ارشد استخباراتی آمریکا گزارش داده که این برنامه ریزی دست کم شش ماه می شود که در حال انجام است. این مقام امریکایی افزوده که سطح افزایش تنش ها باعث این تصمیم گیری شده است. در همین حال، مارتین ماینر، سخنگوی پنتاگون از اظهار



این در حالی است که چین تایوان را بخشی از قلمرو خود می داند و تهدید کرده که در صورت لزوم حاضر است از زور برای پیوستن مجدد این جزیره به سرزمین اصلی چین استفاده کند.

قانون گذاران امریکایی از بایدن خواستار ارسال موشک های دوربرد به اوکراین شدند

سایه به اوکراین توسط انگلیس استقبال می کنیم. گزارش شده است که مقامات اوکراین تضمین داده اند که از این موشک ها فقط علیه مواضع روسیه در خاک اوکراین استفاده کنند. ما معتقدیم تضمین های مشابه از سوی اوکراین در خصوص سامانه (ATACMS) نگرانی های بالقوه در مورد تشدید تنش را کاهش می دهد.» این گروه از قانون گذاران همچنان از دولت بایدن خواستند که نیازهای فوری اوکراین را بر تمایل خود جهت حفظ ذخایر تسلیحاتی امریکا برای «جنگ های احتمالی آینده» اولویت دهد و استدلال کردند که کی یف، در جنگی حضور دارد که پیامدهای فوری و بلندمدت برای امنیت ملی ایالات متحده به دنبال دارد.

همزمان با تشدید جنگ اوکراین و روسیه، یک گروه دو حزبی از قانون گذاران امریکایی از جو بایدن، رییس جمهور این کشور خواسته اند که سامانه های تسلیحاتی توانمندتر و با برد بیشتر به ویژه سامانه موشکی تاکتیکی موسوم (ATACMS) را در اختیار اوکراین قرار دهد. یک گروه چهار نفره از این قانون گذاران به رهبری جیسون کرو، عضو دموکرات مجلس نماینده گان امریکا روز دوشنبه، ۱۲ جون، در نامه خود نوشته اند که نیروهای روس تجهیزات مهم خود را از برد راکت های «هیمارس» خارج کرده اند و از همین رو، اوکراین نیازمند دریافت سامانه های موشکی با برد دورتر است. در این نامه آمده است: «ما از ارسال موشک های «طوفان

رهبر کوریای شمالی از تهاجم روسیه به اوکراین حمایت کرد

را افزایش دهد. امریکا گفته است که روسیه به دنبال دریافت سلاح از کوریای شمالی برای تقویت جنگ اوکراین است. در حالی که کوریای شمالی به دلیل توسعه زرادخانه موشک های بالستیک از سوی شورای امنیت سازمان ملل تحریم شده است، اما با آن هم به تولید موشک و ارسال سلاح به مسکو ادامه می دهد. کیم که برای اولین بار در سال ۲۰۱۹ با پوتین ملاقات کرد، خواستار همکاری استراتژیک نزدیک بین پیونگ یانگ و مسکو شد و افزود که با روسیه برای رسیدن به هدف مشترک که ساختن یک کشور قدرتمند است، قاطعانه همکاری می کند. این نزدیکی کوریای شمالی با روسیه، نگرانی های بین المللی به ویژه امریکا را به همراه داشته است.

رسانه های بین المللی گزارش داده اند که رهبر کوریای شمالی پس از ۱۶ ماه از حمله نظامی روسیه به اوکراین از آن حمایت کرده است. گاردین به نقل از خبرگزاری رسمی کوریای شمالی (KCNA) گزارش داده است که کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی در پیامی به ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، روز دوشنبه، ۱۲ جون، وعده پشتیبانی قوی کشورش از حمله مسکو به اوکراین را داد. کیم در پیام خود گفته است: «عدالت قطعاً پیروز خواهد شد و مردم روسیه همچنان به شکوه تاریخ پیروزی خود خواهند افزود.» پس از تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، مسکو تلاش کرده است تا رابطه خود با کشورهای مخالف غرب